

بنیان‌های اندیشه سیاسی – ۲۹

ماکیاولی و سیاست رومی

دکتر حمید عضدانلو

ناهمخوانی میان وظایف حرفه‌های مذهبی و رفتار فرمانروایان دوره رنسانس ایتالیا، به‌صورت موضوعی شگفت‌انگیز، نقل مجالس مردم طبقات بالا و پایین جامعه بود. به‌عنوان مثال وقتی مردم می‌دیدند یا می‌شنیدند که پاپ الکساندر ششم (با آن همه فساد اخلاقی) مریم‌مقدس را به‌عنوان ملار پاکدامن تکریم می‌کند،لوازه سخره می‌گرفتند و به سخنان اومی خندیدند. به‌رغم مخالفت و اعتراض شدید نسبت به خرید و فروش امتیازها و مقام‌های کلیسایی، الکساندر ششم و جولیسوم دوم قدرت خود را با پول و وعده‌های سیاسی کسب کردند. شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر چنین اعمال چندش‌آوری به اندازه دوره رنسانس ایتالیا دیده نشده باشد.

زند گبنامه سیاسی ماکیاولی

نیکیلا ماکیاولی در سال ۱۴۶۹ میلادی و در چنین دورانی متولد شد. او نیز مانند داتنه از نوادگان خانواده گلف بود. در مورد دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی او تنها این را می‌دانیم که زبان لاتین و تا حدودی یونانی را آموخته بود. او در ۲۰سالگی شاهد به‌قدرت رسیدن ساونارولا^۱ بود، و در ۲۵ سالگی ورود چارلز هشتم، امپراتور فرانسه را به شهر خود (فلورانس) مشاهده کرد. ساونارولا در جست‌وجوی آن بود تا طی مراسمی آغازگر سلطنت حضرت مسیح در شهری باشد که تحت سلطه مدیچی^۲ قرار داشت. چارلز هشتم با تشویق و کمک فری‌یر^۳ وارد ایتالیا شده بود. طبیعتاً چنین ائتلاف عجیبی میان «این دنیا» (چارلز هشتم با همه جاه‌طلبی‌های دنیوی) و «آن دنیا» (فری‌ر که به پیروی از فرانسیس مقدس، قدرت و شکوه این جهانی را نادیده می‌گرفت) برای ماکیاولی شگفت‌انگیز می‌نمود. اما عجیب‌تر این بود که در سال ۱۴۹۸ میلادی، نظام پاپی و دشمنان سیاسی‌اش با هم متحد شدند تا از شر ساونارولا که حق فرمانروایی آنها را زیر سوال برده بود، خلاص شوند؛ و او را در آتش سوزانندند. شاید پرسشی که با دیدن این حوادث ذهن ماکیاولی را به خود مشغول می‌کرد، این بود که آیا بی‌عرضگی و بی‌کفایتی سیاسی فری‌ر بود که باعث سقوطش شد؟ کمی پس از اعدام ساونارولا، ماکیاولی به اولین شغل سیاسی‌اش (دبیری انجمن شهر) منصوب شد.

چندی بعد او به سمت دبیر انجمن دهه‌های منصوب شد که سرپرستی امور نظامی را برعهده داشت. دوستی نزدیک ماکیاولی با خانواده سادرینی^۴ که در آن زمان با کنار گذاشتن اشرافیت مدیچی‌ها قدرت را به دست گرفته بودند، سمت او را به فرستاده سیاسی این خانواده در مذاکره با حکومت فلورانس ارتقا داد. همزمان مدیچی‌ها در حال توطئه‌ای برای بازگشت به‌قدرت بودند و بالاخره در سال ۱۵۱۲ موفق به سرنگونی سادرینی و برقراری مجدد اشرافیت روسی شدند. ماکیاولی بر این باور بود که می‌تواند موقعیت رسمی خود را حفظ کند. اما مدیچی‌ها از ارتباط نزدیک او با خانواده سادرینی باخبر بودند، و او را از حامیان آن خانواده به شمار می‌آوردند. به همین دلیل ماکیاولی کمی پس از به قدرت رسیدن مدیچی‌ها از کار برکنار شد. در سال ۱۵۱۳ پاپ لسو دهه^۵ که یکی از اعضای خانواده مدیچی بود، اسقف اعظم فلورانس شد، و دوباره قدرت مدیچی‌ها در فلورانس افزایش یافت. بین سال‌های ۱۵۱۳ تا ۱۵۲۴ ماکیاولی هیچ ارتباطی با حکومت فلورانس نداشت. آنچه بیشتر باعث آزار او می‌شد این تصور بود که دوستی او با خانواده سادرینی نمی‌باید باعث کنار گذاشتن او می‌شد چون او می‌توانست کمک بزرگی برای ثبات سیاسی ایتالیا باشد. به همین دلیل تصمیم گرفت به تبعید سیاسی خود پایان دهد. او تلاش کرد به جایگاه سیاسی خود بازگردد، به زبان امروزی، او تصمیم گرفت تملق‌گوی خانواده مدیچی را بکند تا شاید آنها به ارزش‌های او پی ببرند. این تلاش‌های او با نوشتن رساله‌هایی همراه بود که به عقیده خودش می‌توانستند راه او را هموارتر کنند. پیشتر و در دوره‌ای که هنوز صاحب منصب بود، درباره اصول کسب و حفظ قدرت سیاسی اندیشیده و یادداشت‌هایی را کنار گذاشته بود. در زمان قدرت نچندان طولانی‌اش در دربار سزار بورزیا، ماکیاولی به یکی از حامیان و مریدان او تبدیل شده بود. در دربار سزار آنچه ماکیاولی را تحت تأثیر قرار داد، استعداد او توانایی‌های سزار بورزیا در رسیدن به اهدافش با حداقل هزینه بود. ماکیاولی معتقد بود بورزیا، برخلاف بسیاری دیگر از فرمانروایان، به خوبی می‌دانست چه زمانی باید از زور استفاده کند و چه زمانی باید با مردم کنار بیاید و رضایت‌شان را جلب کند. ثمره چنین برداشتی از فرمانروایی بورزیا، رساله‌های بسیار مشهور شه‌ریار و گفتارهاست. در این رساله‌ها، ماکیاولی تلاش می‌کند شیوه مملکت‌داری را تحت شرایط کاملاً متفاوت اجتماعی و اخلاقی نشان بدهد. به عبارت دیگر او تلاش می‌کند فرمانروایان را در حفظ قدرت خود راهنمایی کند. همزمان او در جلب رضایت خانواده مدیچی تا حدودی موفق می‌شود، و خانواده مدیچی از او می‌خواهند کتابی در باره تاریخ فلورانس بنویسد. از این رو، ماکیاولی این فرصت را به دست می‌آورد تا چارچوب تجزیه و تحلیل سیاسی‌اش را در مورد شهر خودش به کار گیرد. ظاهراً ماکیاولی عاقله چندانی به نوشتن و تحقیق در مورد این مسائل نداشت و از آنها به‌عنوان ابزاری برای رهایی از تبعید سیاسی استفاده می‌کرد. در سال ۱۵۲۱، زمانی که خانواده مدیچی درخواست او را برای همکاری پذیرفت، ماکیاولی با آغوش باز از این فرصت استفاده کرد. جولیبو مدیچی^۶ (پاپ آینده) شورای هشت‌نفره پراتیکا^۷ را تشویق کرد تا ماکیاولی را به عنوان نماینده خود به مجمع عمومی فرانسیسکن‌ها^۸ بفرستد.

بی‌نوشت‌ها:

۱- راهب ایتالیایی که بین سال‌های ۱۴۵۲ تا ۱۴۹۸ میلادی می‌زیست.

۲-Medici
۳- مسیحی کاتولیک که از پیروان دومینیکن واگوستین مقدس بود. پیروان او زاهدان و پارسایانی بودند که از راه صدقه زندگی می‌کردند و برای دنیای مادی ارزشی قائل نبودند.

4-Soderini

۵-Leo X
۶-کشیش ایتالیایی که در سال‌های ۱۵۲۴-۱۴۷۸ میلادی می‌زیست، و در سال‌های ۱۵۳۴-۱۵۲۳ پاپ اعظم بود. او برادرزاده لورنزو مدیچی (پدر لئو دهم و معروف به لورنزو کبیر) بود که در سال‌های ۱۴۹۲-۱۴۷۸ فرمانروایی فلورانس را بر عهده داشت.

7-Council of Eight of Pratica

۸- پیروان فرانسیس مقدس که در قرن سیزدهم میلادی می‌زیست.

2-Medici

۳- مسیحی کاتولیک که از پیروان دومینیکن واگوستین مقدس بود. پیروان او زاهدان و پارسایانی بودند که از راه صدقه زندگی می‌کردند و برای دنیای مادی ارزشی قائل نبودند.

4-Soderini

۵-Leo X
۶-کشیش ایتالیایی که در سال‌های ۱۵۲۴-۱۴۷۸ میلادی می‌زیست، و در سال‌های ۱۵۳۴-۱۵۲۳ پاپ اعظم بود. او برادرزاده لورنزو مدیچی (پدر لئو دهم و معروف به لورنزو کبیر) بود که در سال‌های ۱۴۹۲-۱۴۷۸ فرمانروایی فلورانس را بر عهده داشت.

7-Council of Eight of Pratica

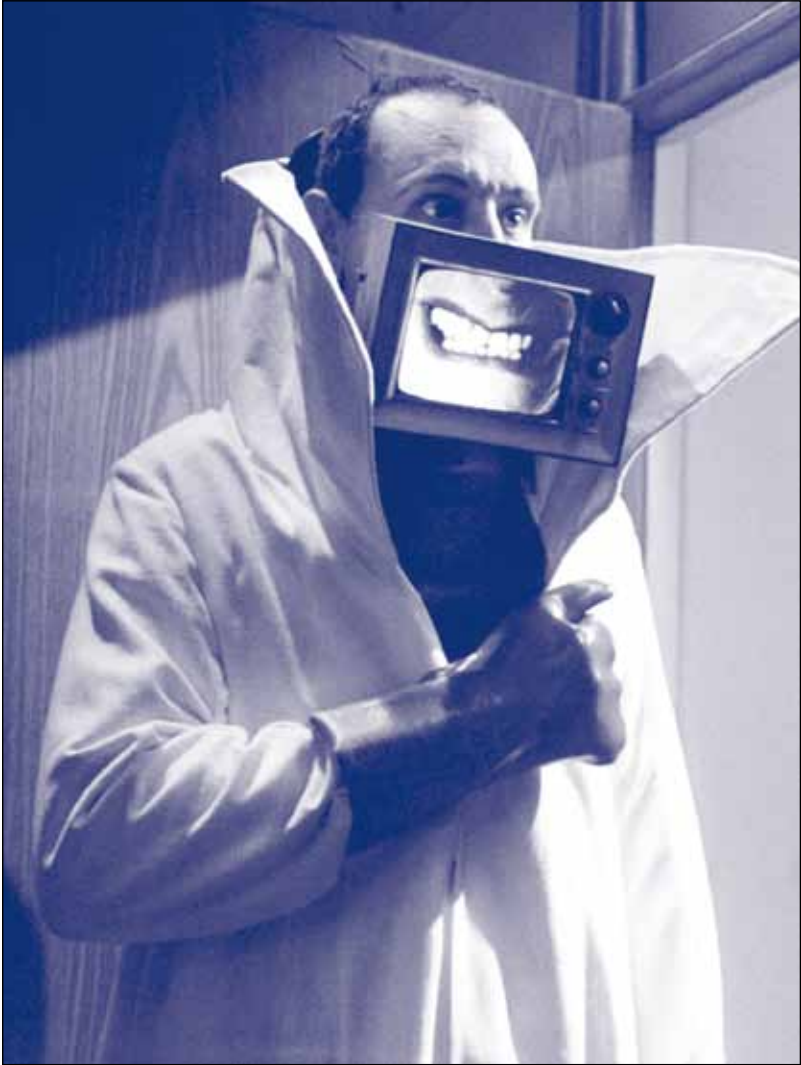
۸- پیروان فرانسیس مقدس که در قرن سیزدهم میلادی می‌زیست.

آند پيشنه

هنر امریکا پس از جنگ جهانی دوم- بخش بابانی

الگوی امریکایی بیگانگی

دکتر ناصر فکوهی



تفاوت در اینجا تنها در سطحی تعریف می‌شود که «بیگانه» با «انسان» (امریکایی) متحد شده باشد و با بیگانگان دیگر که بیشتر به او شباهت دارند تا با انسان‌ها بجنگد. اشکال دیگری از «بیگانه فضایی» نیز در قالب سینمایی و تصویری، بیگانگانی را نشان می‌دهد که می‌توانند در قالب کاملاً انسانی فرو بروند و اینها از همه بیگانگان خطرناک‌ترند زیرا چهره به ظاهر انسانی دارند. در واقع خود را به ظاهر انسان‌ها درآورده‌اند و چهره واقعی‌شان متفاوت است و به همین دلیل نیز هرکسی می‌تواند یک «بیگانه» باشد. این ایدئولوژی که با دوران موسوم به مک‌کارتیسم هماهنگی دارد، تلاومی تقریباً دائم در ایدئولوژی هنری سیاسی امریکا داشته است و یکی از آخرین اشکال و گویاترین آنها را در مجموعه تلویزیونی «۷» (در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰) مشاهده می‌کنیم که در آن بیگانگان در ظاهری به‌شدت زیبا و وسوسه‌انگیز به‌خصوص در مورد زنان، در واقع چهره‌ای به‌شدت ترسناک و خطرناک دارند؛ تمساح‌های خرنده و وحشی. این دوگانه «زن زیبا/ تمساح آدمخوار» (که به‌خوبی ساختارهای روانکاونه در این مورد را به یاد می‌آورد) به‌خودی خود گویای این ایدئولوژی است که باز هم بعد بیگانگی و خیانت را در طرف زنانه قرار می‌دهد.

اما آنچه شاید بتوان گفت حادث‌ترین و اساسی‌ترین محور ایدئولوژیک در این بعد بیگانه‌ترس به‌شمار می‌آید، محور تغییر از «دوست» به «دشمن» است که می‌توان آن‌را از ابتدای جنگ با همان آفیش‌هایی که به آنها اشاره شد، دید، از راننده‌ای که در شرایط کمبود بنزین ماشین خود را به تنهایی می‌راند و آفیش یک روح هیتلری را در کنارش نشانده و به بیگندنگ یادآوری می‌کند که این راننده در واقع در حال تبدیل شدن به راننده هیتلر است، تا کسانی که نمی‌توانند سکوت کنند و رازهای امریکا را به گوش دشمنان

می‌رسانند و سرانجام کسانی که با رفتارهای نادرست خود از برخورد بد با کارمندان زیردست‌شان از آنها دشمنان بلشویک می‌سازند (موضوع یک آفیش) تا سرانجام او را به نابودی عموماً به دست یک «قهرمان» محکوم می‌کند. فیلم مگس (چه در نمونه کلاسیک آن شکل ظرفیت‌تری نسبت به این خطر گوشزد می‌کند که بیگانه می‌تواند حاصل تغییری باشد که «دوست» به دلیل یک اشتباه قربانی نیست‌انگاری می‌شود و در آن سکانس‌ها می‌کند) که به آن اشاره شد) را دربر می‌گیرد. اما ایمن ایدئولوژی در

شکل ظرفیت‌تری نسبت به این خطر گوشزد می‌کند که بیگانه می‌تواند حاصل تغییری باشد که «دوست» به دلیل یک اشتباه قربانی نیست‌انگاری می‌شود و در آن سکانس‌ها می‌کند) که به آن اشاره شد) را دربر می‌گیرد. اما ایمن ایدئولوژی در

آورده است. داستایوفسکی یکی از پیشگامان تحلیل این فضا در استحاله فرار و گویی نجات از نیست‌انگاری، تنها ایمان دینی را چاره دانست. حتی در داستان برادران کارامازوف نیز شاهد هستیم که در تقابل سه تفکر حاکم بر داستان، برادری که بر خاستگاه ایمان دینی تکیه زد، از نیست‌انگاری رهایی یافت. در حالی که در بررسی این فضا بر مکتب انتحاری نیچه، شاهد تبیین دو راستای بنیادین از اندیشه مکتوب یونان هستیم؛ از این رو شاید بررسی مجمل بر مبنای پرسش‌های نیست‌انگاری انسان سردرگم دنیای مدرن در فضای تلفیقی سنت و شبه‌مدرن کنونی بسان مکتبی انتقادی ضروری باشد به این پیوست که واژگان این سطور با احترام به ادبیات دینی، سعی دارند این نوشتار را در حیطه‌ای مستقل از اندیشه دینی دنبال کنند.

اخلاقی و سمبلیک دارد، بشر آمده است از اندیشه هستن و از زیر بار مسوولیت شانه خالی کند و از پس تحقق بنیان رمانس گام برمی‌دارد. نیچه در تاویل این

در ۱۹۵۸ اثر کورت نومن، و چه در نمونه جدیدش در ۱۹۸۶ اثر دیوید کراننبرگ) نمونه‌ای بسیار گویا از این امر است: دانشمندی که در تلاشی نادرست و به دور از اخلاق «دوست» انسانی را بدل به یک موجود هیولایی یعنی «مگس» می‌کند: ساختاری از «شکل داشتن انسانی (امریکایی) و قابل تعریف» در برابر «بی‌شکلی غیرانسانی (غیرامریکایی) و غیرقابل تعریف». هرچند این فیلم نمونه‌ای از یک داستان قدیمی‌تر یعنی «داستان عجیب دکتر جکیل و آقای هاید» (اثر نویسنده اسکانلندی اربرت استیونسن در ۱۸۸۶) بود، اما در بازتفسیری که از آن شده بود و به ویژه در نمونه جدیدش در ساختار دوگانه «زیبایی/ زشتی» و ساختار سه‌گانه «زیبایی/ میان‌مایگی/ زشتی» قابل تحلیل است. برای آنکه باز هم در حوزه سینما باقی بمانیم، می‌توانیم به‌مجموعه فیلم‌های با نام «بیگانه» (Alien) (اثر ریدلی اسکات از سال ۱۹۷۹ به بعد) نیز اشاره کنیم که باز هم نوع دیگری از تبدیل «دوست» به «دشمن» را از خلال فرآیند ورود یک موجود «بیگانه» در کالبد سالم (ایدئولوژی خالص امریکایی) و تبدیل شدن آن به یک موجود وحشتناک که همه چیز را نابود می‌کند و گویای دشمنی است که در خانه لانه می‌کند، اشاره کرد.

به‌عنوان آخرین نمونه از «دوست‌گی» که تبدیل به بیگانه می‌شود می‌توان نگاهی به مجموعه آفیش‌هایی انداخت که از پیش از انتخاب اواما تا امروز درباره او ساخته شده است و وی را در قالب‌های شیطانی، یا در قیافه تروریست و گاه نیز در قالب شیطان، قهرمان منفی بتمن، دزد دریایی و غیره نشان می‌دهند. البته این آفیش‌ها اغلب به وسیله یک ایدئولوژی افراطی سیاسی در امریکا تغذیه می‌شده است که ریشه‌های نژادپرستانه و به‌شدت نظامی‌گرا دارد و فاصله گرفتن اندک سیاست اواما از سیاست بوش را نیز برنمی‌تابد. تبدیل «دوست» به «دشمن» در اینجا، فراتر رفتن یک «سایه‌پوست» از حدود خودش و جای گرفتن در جای یک «قهرمان سفیدپوست» است که در نهایت از او یک شیطان می‌سازد.

نتیجه گیری

ایدئولوژی هنری سیاسی امریکا از پس از جنگ جهانی دوم بر روی خطی نسبتاً منسجم حرکت کرده است که آن را در سه بعد ایدئولوژیک اساسی می‌توان مشاهده کرد: سبک زندگی امریکایی، ایدئولوژی مردانگی خشونت‌بار، و بیگانه‌ترسی متمرکز بر خطر نابودی «دوست». این ایدئولوژی در ترکیب خاص خود در امریکا منحصr به‌فرد است. با این وصف، مهم‌ترین ایدئولوژی در برابر این رویکرد، ایدئولوژی کمونیستی شوروی در جنگ سرد بوده است که شیوه‌ها و نمادها و رویکردهای هنری بسیار متفاوتی داشته است و درک ایدئولوژی امریکایی در بسیاری موارد لااقل تا سال‌های دهه ۱۹۹۰ بدون در نظر گرفتن و تحلیل آن که در فرصتی دیگر انجام می‌گیرد، ممکن نیست.

سرگرمی و دل‌خوشی‌های حکیمانه به سرنوشت تن دهد. ما در آغاز پیدایش تفکر نیست‌انگار با جنبشی فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو هستیم اما بعدها از هیجان ابتدایی حاکم بر دوران دگرگدیس‌یافته این مکتب کاسته شد و در استحاله تکوین مبادی مدرن، ماهیت نیست‌انگاری سازنده بروز کرد. اما آیا به واقع باید در پس وحدتی مجهول و توجیه‌ناپذیر، از برای پرستاری دردها و رنج‌های آدمی، هر غایتی را شتابان نشانه رومیم تا مجبور به خلق حقیقتی مغلوب به بهای نفی سرخوردگی در کارزار فروداشت خرد نقاد نوپنیاذ باشیم؟ آیا از این باب انگیزه‌ای گستاخانه به رهیافت فریپد تاریخ هدایت نمی‌شود؟ اما به گمان شاید خاستگاه پدیده نیست‌انگاری ریشه در آرای توده‌هایی داشته باشد که بدیهیات تبیین‌پذیر ساختار هستن آدمی را به یاد فراموشی سپرده‌اند و احتیاجات خود را از پس مجرای انگیزه، به ضرورتی بدل داشته‌اند تا نیازهایشان را به جایگشت ارزش‌های جهانی برسانند و در نهایت بشکوه جلوه کنند. در واقع به زعمی وجودگرایانه، به نظر گرفتن موجودات و از یاد بردن هستی، فصل پوچ‌گرایی فرا می‌رسد. این در حالی است که گاه می‌پنداریم با فرار از نه‌تنها تجربه مفاهیم، بل حتی شنودی از ساختار مکتبی مقابل، خود را به ساحل امنیت و یقین رسانده‌ایم، شاید جامعه و اجتماع گره خورده با ساکنین مزار اندیشه از پس بی‌ارزشی هر ارزشی، خود را به تعبیر کامو برساند که «از آفتاب مومنم تاریخ همه چیز نیست». اگر بشر محکوم به تضادی دائمی باشد، نبرد جاویدان مرگ و زندگی، غریزهای است به بهای اینکه باشیم و شاید به ادعایی از پس بطلان ابطال‌پذیری، تقدیر را قاعده‌ای پنداریم که توجیهی ساده‌انگارانه بر صور پیدایش پرسش‌های نوپنیاذ باشد و همچنان آدمی را از تجربه فصولی باز دارد که او از آن لحاظ که انسان شد، میادا خوش را فقیر پندارد و در برابر زندگی قیام کند و تجلی ارزشی به شکوه تنازع بقا را بر پاسخ هشت جلسه روزهای شنبه ۱۰ صبح برگزار می‌شود. آغاز آن ۲۶ تیرماه است و علاقه‌مندان به حضور در کلاس تا ۱۵ تیر فرصت دارند برای ثبت‌نام به مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصبیر(بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۲۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس‌گیرند

شهرکتاب دوره آموزش ویراستاری را زیر نظر علی صلح‌جو برگزار می‌کند. در این دوره علاوه بر تدریس مباحثی درباره رسم‌الخط، نمونه‌خوانی، کاربرد اعداد و ارقام، اختصار و سرواژه، شیوه‌های ماخذنگاری و نشانه‌گذاری، نکاتی در ویرایش زبانی گفته خواهد شد. این دوره در هشت جلسه روزهای شنبه ۱۰ تا صبح برگزار می‌شود. آغاز آن ۲۶ تیرماه است و علاقه‌مندان به حضور در کلاس تا ۱۵ تیر فرصت دارند برای ثبت‌نام به مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصبیر(بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۲۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس‌گیرند

خبر

نقد نظریه آلستون درباره تجربه دینی



موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران عصر فردا میزبان نشست «گاهی انتقادی به نظریه آلستون درباره تجربه دینی» خواهد بود. در این نشست که در ادامه سلسله نشست‌های گروه مطالعات علم موسسه پژوهشی

حکمت و فلسفه ایران در فصل بهار برگزار می‌شود بابک عباسی عضو هیات علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی که پایان‌نامه دکترای فلسفه‌اش نیز به مساله تجربه دینی و چرخش هرمنوتیکی اختصاص دارد، سخنرانی خواهد کرد. ویلیام پی. آلستون (۱۹۲۱-۱۹۱۳ ستپتامبر ۲۰۰۹) فیلسوف دین و استاد دانشگاه سیراکپوز است که دیدگاه‌های او درباره میناگرایی، درونی‌گرایی (در مقابل بیرونی‌گرایی)، افعل گفتاری و ارزش معرفتی تجربه‌های عرفانی بسیار تأثیرگذار بوده است. او مانده غالب فیلسوفان امریکایی در سنت فلسفه تحلیلی قرار دارد و به همراه

الوین پلاتینگا، نیکلاس ولترزتورف و برخی دیگر نظریه میناگرایی اصلاح‌شده را در معرفت‌شناسی پایه‌گذاری کرده است که یکی از مهم‌ترین وجوه تفکر دینی قرن بیستم به شمار می‌رود. از نظر آلستون تجربه دینی نیز مانند تجربه حسی می‌تواند منبعی برای معرفت یا توجیه معرفتی باشد. به نظر او اختلافات بین این دو گونه تجربه، نشانگر اعتبار تجربه حسی و بی‌اعتباری تجربه دینی نیست بلکه تنها نشانگر دوگونه مختلف از تجربه است. همچنان که تجربه

دینی موجب معرفت برای خود شخص می‌شود، گزارش آن نیز می‌تواند موجب ایجاد معرفت برای دیگران باشد. به نظر آلستون ما برای اعتماد به منابع تجربی باورها هیچ دلیل کافی نمی‌توانیم داشته باشیم مگر آنکه برای همه آنها اعتباری اولیه قائل باشیم و تنها اگر دلایلی برای بی‌اعتباری آنها به دست آوریم، آنها را کنار بگذاریم در غیر این صورت گرفتار شک‌گرایی تمام‌عیار خواهیم شد. به نظر او هر عمل شناختی را که به لحاظ اجتماعی تثبیت شده باشد باید به عنوان منبعی برای باور صادق پذیرفت مگر دلایل کافی برای رد آن در دست باشد. علاقه‌مندان جهت شرکت در این برنامه می‌توانند از ساعت ۱۶/۳۰ فردا به موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران واقع در تهران، خیابان ولیعصر، چهارراه امیر اکرم، خیابان نوفل‌لوشاتو، خیابان آراکلیان، شماره ۴ مراجعه کنند.

تشریح پارادایم جامعه‌شناسی اسلامی

میز گرد «پارادایم جامعه‌شناسی اسلامی، چپستی و روش‌شناسی» با حضور حسین کچوئیان، علی پایا، حجت‌الاسلام حمید پارسانیا و حسین بستان نجفی برگزار می‌شود. معرفی پارادایم جامعه‌شناسی اسلامی و بررسی چپستی و روش‌شناسی آن از جمله اهداف این نشست است که چهارشنبه ۲۶ خردادماه سال جاری از ساعت ۱۰ تا ۱۳ در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه واحد تهران برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در این نشست می‌توانند به نشانی تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان قدس و وصال شیرازی، کوچه اسکو، پلاک ۶ مراجعه کنند.

خسرو ناقد و ستایش گفت‌وگو



خسرو ناقد فرهنگ‌نگار، نویسنده و مترجم ایرانی مقیم آلمان از انتشار قریب‌الوقوع مجموعه مقالات خود در کتابی تحت عنوان «خبر در ستایش گفت‌وگو» یعنی داد که دغدغه همیشگی او به معنی بسط مبحث «گفت‌وگوی تمدن‌ها» و به‌ویژه گفت‌وگوی میان شرق و غرب یا اسلام و مسیحیت را پی می‌گیرد. به گفته ناقد کتاب حاضر قرار است طی هفته‌های آینده از سوی انتشارات «جهان کتاب» روانه بازار نشر شود. به اعتقاد او، «یوهان ولفگانگ فون گوته» را به جرات می‌توان نخستین پیشگام «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» نامید، چرا که او با آفرینش آثاری فرا از زمان و مکان، در راه گفت‌وگوی واقعی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر گام گذاشت، آن هم در روزگاری که اثرات منفی پیشداوری‌های قرون پیشین در میان عامه مردم و بخش بزرگی از نخبگان اروپایی هنوز از بین نرفته بود.

نیز نشر اعلام کرده این کتاب از سال گذشته مجوز انتشار گرفته و تا دو هفته دیگر منتشر می‌شود. این کتاب شامل مجموعه مقالات و گفتارهای ناقد است که تعدادی از آنها پیش از این به اشکال مختلف منتشر شده‌اند، اما سایر مقالات برای نخستین‌بار در این کتاب ارائه خواهند شد.

دوره آموزش ویراستاری

شهرکتاب دوره آموزش ویراستاری را زیر نظر علی صلح‌جو برگزار می‌کند. در این دوره علاوه بر تدریس مباحثی درباره رسم‌الخط، نمونه‌خوانی، کاربرد اعداد و ارقام، اختصار و سرواژه، شیوه‌های ماخذنگاری و نشانه‌گذاری، نکاتی در ویرایش زبانی گفته خواهد شد. این دوره در هشت جلسه روزهای شنبه ۱۰ تا صبح برگزار می‌شود. آغاز آن ۲۶ تیرماه است و علاقه‌مندان به حضور در کلاس تا ۱۵ تیر فرصت دارند برای ثبت‌نام به مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصبیر(بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۲۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس‌گیرند